انترناسیونال 821

متن سخنرانی مینا احدی در کنفرانس آینده ایران

سیاست دولت آلمان در مقابل

جمهوری اسلامی باید تغییر کند

وقتی برای آخرین بار در تهران در سال ١٩٨١ مادرم را در یک محل مخفی ملاقات کردم، از من پرسید؛ چه مدت در خارج از ایران خواهی ماند؛ و ما کی همدیگر را خواهیم دید؟ گفتم ٣ یا ٤ ماه بیشتر طول نمیکشد؛ این حکومت نمیتواند دوام بیاورد؛ و اکنون ٣٩ سال از آن دیدار میگذرد و حکومت اسلامی اگر چه همواره با بحران زندگی کرده، ولی دوام آورده است.

آن روز آفتابی که من و مادرم همدیگر را ملاقات کردیم، بعد از یک انقلاب شکست خورده در ایران بود. من در آن انقلاب که از محلات فقیر نشین شروع شد و به دانشگاهها کشیده شد، شرکت کردم. انقلاب ما، انقلاب اسلامی نبود. ما برای آزادی و زندگی بهتر و امکان ابراز عقیده و بیان انقلاب کرده بودیم.

آن روزها من در یک گردباد عجیب گیر افتاده بودم. میشنیدم که انقلاب را از طریق رسانه های بین المللی، انقلاب اسلامی نام نهادند. خمینی را که من اصلا نامش را نشنیده بودم، از طریق بی بی سی رهبر انقلاب نام نهادند و اسلامیستها در ایران را - طبعا به کمک آمریکا- برای جلوگیری از قدرت گرفتن چپها و ترس از پیوستن ایران به قطب شوروی کمک کردند تا قدرت بگیرند.

یک شاخص مهم جنبش اسلامی ضدیت آنها با زنان و بیرحمی آنها بود. جنبشی ایدئولوژیک و مذهبی که جنایت را به نام الله توجیه میکرد و از همان روز اول حمله به زنان را آغاز کرد. شعارشان "یا روسری یا توسری" بود. و از همان روز اول اعدامها را در ایران شروع کردند.

من به جنبشی تعلق دارم که از روز اول علیه جنبش ملی اسلامی بود. ما در ابعاد هزاران نفره به خیابان رفتیم و فریاد زدیم "حقوق زنان نه شرقی است نه غربی، جهانی است". ما علیه اعدامها بودیم. ... و سپس سنگسار را در ایران شاهد بودیم.

مقاومت در مقابل این حکومت از روز اول شروع شد و اسلامیها با اعدام هزاران نفر از جوانان انقلابی توانستند کمی مردم را ساکت کنند.

در سه دهه اخیر در ایران بنظر من یک زلزله اجتماعی اتفاق افتاده است. مردم در همه جا و در همه زمینه ها این حکومت را تجربه کرده و بتدریج علیه آن شروع به مبارزه کردند.

یکی از با افتخار ترین جنبش ها در ایران جنبش زنان علیه این حکومت بود. و یک موضوع مهم نبرد، حجاب اسلامی بود.

در ایران با تظاهراتهای وسیع زنان در هشت مارس ١٩٧٩، سوت آغاز یک جنبش مترقی و پیشرو زنان زده شد؛ که علیه جنبش اسلامی و سمبل اینها، یعنی حجاب و علیه قوانین و مقررات و زن ستیزی اسلامی بود. این جنبش بین المللی فکر میکرد و خود را به مترقی ترین جنبش ها در غرب منتسب میدانست.

صدها زن در زندانهای حکومت اسلامی قهرمانانه مقاومت کردند و اعدام شدند و سپس در قلب تهران دختری به نام ندا در مقابل دوربین در راه مبارزه با این حکومت جان داد و ندای زنان ایران را بگوش جهانیان رساند.

ویدا موحد و زنانی که در سه سال قبل حجاب را به چوب بسته و علیه حکومت اسلامی و حجاب عصیان کردند، محبوبیت و احترام زیادی را در دنیا بسوی جنبش زنان جلب کردند.

ما زنان علیه اعدام و سنگسار مبارزه کرده و قبل از سرنگونی حکومت اسلامی سنگسار را در ایران ممنوع کردیم. اینها همه نشان میدهد که انقلاب آتی در ایران چهره بسیار زنانه دارد.

یک وجه دیگر مبارزات مردم در ایران دیدن چهره مذهب در قدرت و اسلام سیاسی و مقابله با آن است. هشتاد در صد جوانان در ایران عقیده ای به دین و مذهب ندارند. جنبش سکولاریستی در ایران یک جنبش قوی است.

فرهنگ و اخلاقیات در ایران شاهد یک رنسانس و تغییر مترقی و مدرن است. داشتن رابطه جنسی قبل از ازدواج، ازدواج های سفید و یا مخالفت با فرهنگ هموفوبیا و ضد همجنسگرایان، احترام به برابری زن و مرد و به مزاح گرفتن بسیاری از اخلاقیات اسلامی و عقب مانده در شبکه های اجتماعی، هنر اعتراضی و غیره، همه نشان میدهد که جامعه ایران آماده یک جهش به پیش است.

جنبش کارگری در ایران با داشتن چهر ه های شاخص و محبوب و اعتراضات دائمی با خواستهای مترقی و ضد کاپیتالیستی، یک پیشرفت دیگر در ایران امروز را نشان میدهد. در آخرین اعتراضات کارگری خواست حکومتی سکولار و مدرن، خواست برابری زن و مرد و یا نه به اعدام و خواست رفاه برای همه و شوراهای مردمی مطرح شده و در بسیاری از میتینگهای معلمین و پرستاران و دیگر مردم ایران، پایه های یک قانون اساسی مدرن و منطبق با دستاوردهای بشر در این قرن اعلام شده است.

پس ایران میتواند با سرنگون کردن حکومت اسلامی راه پیشرفت و مدرنیته را شروع کند. از نظر من بهترین راه سرنگون کردن حکومت به همت مردم و یک انقلاب همگانی است.

اینجا جازه دهید بگویم که در این راه دولتهای غربی و از جمله دولت آلمان، بخشی از صورت مسئله هستند و نه جواب.

دولت آلمان حدود ٤٠ سال است که با حکومتی دیکتاتور و تروریست و زن کش که سنگسار کرده و کودک اعدام کرده و همجنسگرایان را به قتل رسانده، دست دوستی داده و همواره از زاویه منافع اقتصادی خود به این حکومت نگاه کرده و ابدا نیم نگاهی به فجایع و جنایات این حکومت نینداخته است.

سی سال است من در اروپا شاهد این مماشات غیر قابل تصور هستم، بارها و بارها خودم به پارلمانها مراجعه کرده و با بسیاری از مقامات صحبت کرده ام، حتی در مقابل سنگسار و اعدام و سرکوب سیستماتیک زنان، این دولتها خم به ابرو نمی آورند.

اکنون با توجیه اینکه قراردادی با حکومت اسلامی ایران داریم که مانع دستیابی این حکومت به بمب اتمی میشود، خواهان ادامه روابط با حکومت تروریست اسلامی بوده و به این حکومت کمک میکنند که سالیانه ٨٠٠ نفر را اعدام کند، چشم در بیاورد و دست قطع کند و بچاپد و پولها را به گلوی تروریستهای اسلامی در منطقه، از جمله حماس و حزب الله بریزد.

یک جنبه از فعالیت ما در دنیا اینست که دولتها را به کمک افکار عمومی مردم در آلمان و در همه جا تحت فشار بگذاریم که جمهوری اسلامی را بعنون یک حکومت مبتنی بر آپارتاید جنسی بایکوت سیاسی کنند؛ همانند دولت آپارتاید نژادی در افریقا جنوبی.

حضار گرامی !

در ایران زمینه های شکل گرفتن یک حکومت سکولار و انسانی مهیا است. بعد از جمهوری اسلامی، جامعه ایران میتواند یک نمونه در منطقه خاورمیانه و شاخ آفریقا باشد و کمک کند مردم در افغانستان و عراق و سوریه و فلسطین و مصر و سودان و سومالی و غیره بسوی یک حکومت سکولار و مدرن و مبتنی بر احترام به برابری زن و مرد و آزادی بیان و عقیده پیش بروند. و در این میان، کمک شما مردم آلمان مهم است. کمک به تغییر سیاست دولت آلمان و عدم حمایت این دولت از حکومت تروریست اسلامی ایران!

(دست زدن حضار)